

رابطه باور به زندگى پس از مرگ و سرمايه معنوى اسلامى با فرسودگى هييجانى

محسن گل پرور^۱ / جعفر آب شاهی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۱/۱۰

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش باور به زندگى پس از مرگ و سرمايه معنوى اسلامى برای فرسودگى هييجانى انجام شد. پژوهش از نوع همبستگى و جامعه آمارى کارکنان یک کارخانه کاشى سازی در اصفهان بودند که از میان آنها دويست و چهل نفر به شیوه سهل الوصول (در دسترس) انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از سه پرسشنامه سرمايه معنوى اسلامى، پرسشنامه باور به زندگى پس از مرگ و پرسشنامه فرسودگى هييجانى استفاده شد. داده ها با استفاده از ضریب همبستگى پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه (به شیوه هم زمان) تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین سرمايه معنوى اسلامى با فرسودگى هييجانى رابطه منفى و معنادارى وجود دارد ($p < 0.01$)؛ همچنین بین باور به زندگى پس از مرگ و فرسودگى هييجانى رابطه منفى و معنادارى به دست آمد ($p < 0.05$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که باور به زندگى پس از مرگ و سرمايه معنوى اسلامى دارای توان پیش بینی هم زمان فرسودگى هييجانى هستند ($p < 0.01$). نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که باور به زندگى پس از مرگ و سرمايه معنوى اسلامى می توانند سبب کاهش فرسودگى هييجانى شوند.

کلیدواژه ها: سرمايه معنوى اسلامى، باور به زندگى پس از مرگ، فرسودگى هييجانى.

مقدمه

از بُعد معرفت‌شناختی، توجه بشر به معنویت برخاسته از فطرت حقیقت‌جو و تعالی‌گرایی وی و تلاش برای یافتن پاسخی درخور به سؤالاتی معطوف به اهداف خلقت و حیاتش بر روی کره خاکی بوده است (Curlin & et al, 634 - 629: 2005؛ البته برخلاف فراز و فرودهای فراوان، همواره در مقاطع مختلف تاریخ زندگی بشر شاهد تجدید حیات توجه وی به معنویت هستیم (Kelso & Akbari, 2013: 328 - 336)؛ Wright, 2012: 42).

در دین مبین اسلام نیز هدف خلقت انسان، طی مسیر تعالی و تکامل ویژگی‌ها و رفتارهایی فراتر از رفتارهای خودخواهانه و شخصی به سوی ویژگی‌ها و رفتارهایی هماهنگ و همسو با آموزه‌هایی است که خالق بی‌بدیل و حکیم مطلق هستی آنها را فراروی بشر قرار داده است (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۹۳: ۳). اندیشیدن به مسیر تعالی و شکوفایی منتهی به لقاءالله، از راه‌های گوناگون می‌تواند خود را در انسان نمایان سازد. یکی از این نمودها، کامل‌تر شدن اندیشه‌ها در قالب مفاهیمی ارزنده و الهام‌بخش نظیر تلقی معنویت به‌عنوان سرمایه معنوی^۱ است. معنویت در دین اسلام، پدیده‌ای همپوش با رفتارها و باورهای مذهبی (اعم از واجب و مستحب) برداشت شده است که بر پایه دلبستگی، توکل و امید به لطف و مدد بیکران الهی شکل می‌گیرد (Yusuf, 2011: 23-40). به معنایی دیگر معنویت در بین مسلمانان از راه پایبندی به آداب و شعائر دینی مطرح در آموزه‌های پیامبر مکرم اسلام^(ص) و تلاش پیگیر و مستمر برای دلبستگی و پیوند روانی و شناختی با خالق هستی نمود یافته و معنا می‌یابد (همان). در تعریفی همسو با آموزه‌های اسلامی معطوف به دلبستگی و پایبندی به خداوند و دستورات هدایت‌گر حکیم بخایشگر هستی، می‌توان گفت سرمایه معنوی اسلامی^۲ نیرو و نفوذ حاصل از دل‌بستن به نیروی مافوق بشری یعنی خداوند متعال است که موجب آرامش، ارزش‌گرایی معنوی، تأثیرگذاری معنوی، تلاش هدفمند (تعالی‌گرا) و امیدواری غایت‌نگر^۳ می‌گردد (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۹۳: ۴).

براساس تعریف ارائه شده، منبع لایزال الهی در پیوند با باورها و رفتارهای انسان، نیروی عظیم و بی‌پایان را به انسان عطا می‌کند که فراتر از سرمایه مادی، ماهیتی زاینده، پویا، هدایت‌گر و تنظیم‌کننده دارد (گل‌پرور، دارایی و خیاطان، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

در نگاه دین مبین اسلام سرمایه معنوی به‌سان هر سرمایه دیگر، بستری برای اطمینان، آرامش و تلاش هدفمند برای انسان محسوب می‌شود (Farooqi, 2006: 113-125). درحقیقت دلبستگی به خداوند متعال و حکمت بی‌بدیل او منجر به ایجاد پایگاهی امن برای انسان می‌شود تا از آن طریق با تلاش و پشت‌کار برای اهدافی غایت‌نگرانه به سوی حیاتی جاودان، سرشار از آرامش و صلح حرکت نمایند (Hamdani & Eatza, 2002: 607-626). به‌همین دلیل تسلط یک فضای معنوی مبتنی بر توجه دائمی به خداوند آفریدگار جهان هستی را می‌توان سرمایه‌ای گرانبها و ارزشمند، یا همان سرمایه معنوی تلقی کرد (گل‌پرور، احمدی و جوادیان، ۱۳۹۳: ۳۴).

بر پایه تعریف ارائه شده، زمانی می‌توان پدیده‌ای نظیر معنویت را در قالب سرمایه معنوی صورت‌بندی کرد که بسان یک منبع هدایت‌گر عمل‌کننده؛ الزام و پایبندی به صداقت، درستکاری و تکریم انسان را پدید آورد تا ماهیت هدایت‌گر و انرژی‌بخش داشته باشد؛ بر حکمت‌گرایی مبتنی باشد؛ بر ارزش‌های معنوی نظیر اعتماد، ارزشمندی و کرامت انسان مبتنی باشد، به تأثیرگذاری معنوی در محیط اطراف بینجامد و با وجود آوردن فرصت خلوت با خدا و راز و نیاز با وی تقویت شود (گل‌پرور، احمدی و جوادیان، ۱۳۹۳: ۳۴؛ Palmer & Schwartz, 2010: 1-6؛ Liu, 2011: 14؛ Wong, 2013: 1-20). در حمایت از رویکرد معنویت به‌مثابه سرمایه معنوی، شواهد پژوهشی در دسترس نشان از آن دارد که معنویت و معنویت‌گرایی، عاملی مهم و اساسی برای بخشش، گفتار و کردار نیک، سلامتی و بهزیستی، صبر و پشتکار، اعتماد، نوع‌دوستی و عاملی جهت غلبه بر مشکلاتی است که انسان در مسیر زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شود (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۹۳: ۴ - 40؛ Hämmarli & Yusuf, 2011: 23 - 40؛ Waetford, 2007: 57 Baker & Smith, 2010: 1 - 10؛ 195-210).

1. spiritual capital
2. Islamic spiritual capital
3. futurism hope

مطالعات حوزه معنویت و همبسته‌های آن را مرور کرده و نشان داده است که بین معنویت با استرس شغلی و فرسودگی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد (Geigle, 2012: 14-27).

فراتر از توان سرمایه معنوی اسلامی برای کاهش فرسودگی هیجانی، نادیده گرفتن عوامل روانی، اجتماعی و زیستی دیگر که به طور بالقوه می‌توانند در کنار سرمایه معنوی اسلامی موجب کاهش فرسودگی هیجانی شوند، موجب غفلت از حقایق ارزشمند می‌شود.

در نگاهی به عوامل مختلف روانی، باور به زندگی پس از مرگ یکی از عوامل بااهمیت است که کمایش ردپای آن را می‌توان در همه رفتارهای مشهود و نامشهود انسان دید. از نگاه اندیشمندان حوزه معرفت‌شناسی دینی و مذهبی، باور به زندگی پس از مرگ، توان بالقوه بسیاری در تأثیرگذاری بر حالات و رفتارهای مختلف انسان دارد؛ به‌ویژه هنگامی که این نوع باورها در کنار سرمایه معنوی اسلامی وارد عمل می‌شوند از طریق اثرات هم‌افزا توان سرمایه معنوی اسلامی را برای کاهش پدیده‌هایی مانند فرسودگی هیجانی افزایش می‌دهند. باور به زندگی پس از مرگ از زمره باورهای شایع و فراگیر پیروان ادیان یکتاپرست است (Flannelly & et al, 2008: 94-103; Carr & Sharp, 2013: 103-112).

بررسی فلاتلی و همکاران (۲۰۰۸م) نشان می‌دهد که باور به زندگی پس از مرگ در میان یهودیان، مسیحیان، هندوها (و بوداییان) و مسلمانان، بنیان‌های نظری و اعتقادی روشنی دارد. زندگی پس از مرگ در میان مسلمانان و بر پایه تأکید قرآن کریم، شامل دو مرحله برای تجدید حیات و داوری از سوی خداوند درباره اعمال انسان است. مسلمانان، زندگی پس از مرگ را زندگی قطعی می‌دانند و بر اینکه انسان در زندگی پس از مرگ بر پایه شواهدی - که از عملکرد و رفتارشان در دوره زندگی خاکی ثبت و ضبط شده - مورد داوری و تعیین جایگاه قرار خواهد گرفت، تأکید ویژه‌ای کرده‌اند (همان).

صرف نظر از تفاوت‌های احتمالی بین نوع باورهایی که در میان ملل مختلف در مورد زندگی پس از مرگ وجود دارد، درون‌مایه باور به زندگی پس از مرگ مبتنی بر سعادت یا فلاکت بر پایه اعمالی است که خود او در دوره حیات، مرتکب شده

پس از معرفی سرمایه معنوی اسلامی، حقیقتی که باید به آن توجه داشت این است که انسان به صورت خودآگاه و ناخودآگاه اغلب از تمام توان و نیروی خود به‌عنوان پشتوانه‌های روانی و معنوی برای مقابله و رویارویی با شرایطی که با آن روبه‌رو می‌شود، استفاده می‌کند. به‌معنای دقیق‌تر، انسان به وسیله رویکرد سرمایه معنوی اسلامی همچون یک منبع انرژی بخش سرمایه‌ای، می‌تواند بر بسیاری از دشواری‌ها و نامالایمات زندگی خود غلبه کند.

یکی از پدیده‌هایی که به احتمال زیاد می‌تواند به‌طور مستقیم یا در قالب تأثیرات تعاملی پیچیده سرمایه معنوی با متغیرهای دیگر تحت تأثیر قرار گیرد، فرسودگی هیجانی^۱ است. فرسودگی هیجانی، یکی از سه عنصر اصلی فرسودگی شغلی از دیدگاه «مسلش»^۲ و «جکسون»^۳ (۱۹۸۱م) به‌طور باثباتی از لحاظ نظری و از لحاظ پژوهشی به‌صورت مطرح‌ترین پیامد برای عوامل استرس‌آور محیط کار مطرح شده است (گل‌پرور، نیری و مهداد، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۹۹; Maslach & Jackson, 1981).

فرسودگی هیجانی به لحاظ تعریف، احساس تخلیه هیجانی در برابر وظایف شغلی و کاری (فرسودگی هیجانی) است (Wang & et al, 2012: 232 - 240).

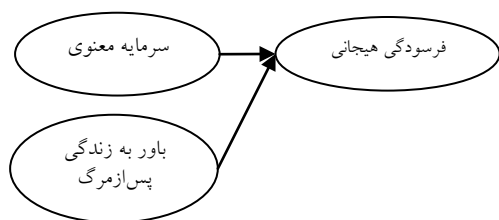
شواهد به‌نسبت درخور توجهی نشان می‌دهد معنویت در محیط کار با احساسات مستتر در فرسودگی هیجانی رابطه منفی دارد (آزاد مرزآبادی، هوشمندجا و پورخلیل، ۱۳۹۲: ۴۳؛ زارعی محمودآبادی و سدرپوشان، ۱۳۹۳: ۶۶)؛ برای نمونه «کاپتاری»^۴ (۲۰۱۰م) در پژوهشی به بررسی رابطه بین معنویت در محیط کار با فرسودگی پرداخت و پی برد آگاهی و بی‌ثباتی دو عنصر از شش عنصر معنویت در محیط کار، قادرند ۳۱٪ از واریانس فرسودگی در محیط کار را پیش‌بینی کنند (Captari, 2010: 1-60).

«گایگل»^۵ (۲۰۱۲م) در یک بررسی مروری بر روی معنویت و پیامدهای آن در محیط کار، بخش اعظمی از

1. job stress
2. Maslach
3. Jackson
4. Captari
5. Geigle

اسلامی برای کاهش فرسودگی هیجانی، در تمایل به محاسبه و توجه به آثار اعمال و سطح تحمیلی نهفته است که این باورها در زندگی برای افراد به ارمغان می‌آورند. در واقع، افراد باورمند به زندگی پس از مرگ، تمایلی بنیادین برای تحمل ناملایمات دارند؛ چراکه خالق بخشایشگر، برای آخرت آنان پاداش وعده داده است. از طرف دیگر، در نگاه سرمایه‌ای به معنویت (سرمایه معنوی) در دین پرفروغ و صلح‌گرای اسلام، نیرو و انرژی مورد نیاز برای زندگی با توکل و توسل پیوسته به خدای متعال، وام گرفته می‌شود (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۹۳: ۴). وقتی فرد به لحاظ باور به زندگی پس از مرگ، تمایل بسیاری برای تحمل ناملایمات به دلیل دریافت پاداش وعده داده شده خالق هستی آمادگی داشته باشد، سرمایه معنوی وی ساده‌تر به کاهش فرسودگی هیجانی منجر خواهد شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود باور به زندگی پس از مرگ، بتواند در کنار سرمایه معنوی اسلامی مبتنی بر توکل و دل‌بستگی به یگانه خالق هستی موجب کاهش فرسودگی هیجانی شود. بر همین مبنا، مدل نظری پژوهش حاضر و فرضیه‌های مربوطه همچون شکل زیر است.

شکل ۱. مدل نظری و مفهومی پژوهش حاضر



فرضیه‌ها

فرضیه نخست: سرمایه معنوی با فرسودگی هیجانی رابطه منفی و معناداری دارد.

فرضیه دوم: باور به زندگی پس از مرگ با فرسودگی هیجانی، رابطه منفی و معناداری دارد.

فرضیه سوم: سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس از مرگ با فرسودگی هیجانی، رابطه ترکیبی دارد.

روش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه

است؛ به این معنی که کیفیت زندگی پس از مرگ برای انسان بر پایه باورهای موجود به عملکرد و تجارب در دوره حیاتش وابستگی تام دارد (Flannelly & et al, 2006: 524 - 529)؛ (Flannelly & et al, 2012: 651 - 662). این وابسته شدن به کیفیت زندگی پس از مرگ به اعمال و رفتارها در زندگی کنونی برای انسان، نقش‌ها و کارکردهایی را در سطح روانی و رفتاری در پی می‌آورد که در واقع درون‌مایه باور به زندگی پس از مرگ را شکل می‌دهد. براساس شواهد پژوهشی در دسترس، باور به زندگی پس از مرگ با معنویت و سازه‌های مذهبی دیگر (نظیر تعهد مذهبی و پایبندی رفتاری به آداب و شعائر مذهبی) به لحاظ مضامین و آموزه‌های مذهبی و معنوی معطوف به رسالت انسان در زندگی روی کره زمین، ارتباطی معنادار پیدا می‌کند؛ (Carr & Sharp, 2013: 103-112)؛ (Flannelly & et al, 2006: 524-529).

افزون بر این، باور به زندگی پس از مرگ با شاخص‌های مختلف بهزیستی و سلامتی روانی، رابطه مثبت دارد. از زمره مهم‌ترین شاخص‌های سلامت روانی که تاکنون با باور به زندگی پس از مرگ، رابطه معنادار آن گزارش شده، شکایات جسمانی، اضطراب، افسردگی، سوءظن و بدگمانی، هراس و نگرانی اجتماعی است (Flannelly & et al, 2006: 524-529)؛ (Flannelly & et al, 2012: 651-662).

نگاهی به برخی از مهم‌ترین همبسته‌های باور به زندگی پس از مرگ، از جمله اضطراب و شکایات جسمانی نشان می‌دهد باور به زندگی پس از مرگ در کنار سرمایه معنوی قادر است تا با فرسودگی هیجانی رابطه برقرار سازد.

توان هم‌افزای باور به زندگی پس از مرگ در کنار سرمایه معنوی اسلامی برای کاهش فرسودگی هیجانی، مبانی نظری چندی دارد که به آنها اشاره خواهد شد. در واقع وقتی افراد دارای باور به زندگی پس از مرگ باشند، همه اعمال، حالات و احساساتشان در عمل بر پایه این باورها وابسته می‌شود. به همین دلیل در پژوهش حاضر، بر نقش هم‌افزای باور به زندگی پس از مرگ در کنار سرمایه معنوی اسلامی برای فرسودگی هیجانی تمرکز شده است. به لحاظ نظری توان هم‌افزای باور به زندگی پس از مرگ در کنار سرمایه معنوی

است. آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسشنامه، به ترتیب برای دل‌بستگی به خداوند، ارزش‌گرایی معنوی، تأثیرگذاری معنوی و رابطه تعالی‌گرایی با خداوند برابر با ۰/۹، ۰/۷۶، ۰/۶۵ و ۰/۸۳ گزارش شده است (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۹۳: ۹-۱۰). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ کل پرسشنامه سرمایه معنوی، برابر با ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه استرس شغلی؛ پنج سؤال برای سنجش دارد که گل‌پرور، کامکار و جوادیان (۲۰۱۲م) معرفی کرده‌اند با مقیاس پاسخگویی شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶) استفاده شد. این پرسشنامه، سطح کلی فشارهای کاری را سنجش می‌کند که بر افراد در حین انجام کارشان در سازمان به آنها وارد می‌شود. گل‌پرور و همکاران (۲۰۱۲م) روایی سازه این پرسشنامه را براساس تحلیل عاملی اکتشافی مستند ساخته و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷ را برای این پرسشنامه گزارش داده‌اند. در پژوهش گل‌پرور و همکاران (۲۰۱۴م)، تحلیل عاملی اکتشافی مجدد تک عاملی بودن این پرسشنامه را دوباره تأیید کرده و آلفای کرونباخ را برابر با ۰/۷۲ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۴۳ به دست آمد (Golparvar, Dehghan & Mehdad, 2014: 285-296).

پرسشنامه باور به زندگی پس از مرگ؛ ده سؤال برای سنجش از «اوسارچاک» و «تاتز»^۳ (۱۹۷۳م) دارد. مقیاس پاسخ‌گویی برای این پرسشنامه، در این پژوهش شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶) است و شواهد مربوط به روایی و پایایی این پرسشنامه براساس گزارش «برینگ»^۴ (۲۰۰۲م)، مطلوب و مناسب است؛ برای نمونه شواهد نشان می‌دهد که پرسشنامه باور به زندگی پس از مرگ اوسارچاک و تاتز (۱۹۷۳م) با دیگر پرسشنامه‌های باور به زندگی پس از مرگ، دارای روایی همگرایی معناداری است. همچنین آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در یک مطالعه، ۰/۸۹ گزارش شده است (Bering, 2002: 263-308). در پژوهش حاضر برای بررسی روایی سازه این پرسشنامه، تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع

آماری پژوهش کارکنان کارخانه کاشی‌سازی در شهر اصفهان در بهار سال ۱۳۹۴ تعداد ۴۰۰ نفر بودند؛ که از میان آنها با استفاده از نمونه‌گیری سهل‌الوصول (در دسترس)، ۲۵۰ نفر برای این پژوهش انتخاب شدند. حجم نمونه ۲۵۰ نفری با توجه به توان ۰/۹۵ به بالا و اندازه اثر بالای ۰/۳ حداقل برای یکی از متغیرهای پیش‌بین انتخاب شده است (Kelley & Maxwell, 2003: 305-321). پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ده پرسشنامه (معادل ۴٪) به دلیل پاسخ‌های ناقص، از تحلیل‌های نهایی کنار گذاشته شد؛ بنابراین، گروه نمونه پژوهش به ۲۴۰ نفر کاهش یافت (نرخ بازگشت ۹۶٪). از کل اعضای نمونه، ۱۱۶ نفر (معادل ۴۸/۳٪) تا تحصیلات دیپلم و ۱۲۴ نفر (معادل ۵۱/۷٪) تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر داشتند. از کل اعضای نمونه، ۲۰۲ نفر (معادل ۸۴/۲٪) مرد و ۳۸ نفر (معادل ۱۵/۸٪) زن بودند. از ۲۳۶ نفری که وضعیت تأهل خود را اعلام داشتند، ۳۳ نفر مجرد (معادل ۱۳/۸٪) و ۲۰۳ نفر متأهل (معادل ۸۴/۵٪) بودند. میانگین سنی اعضای نمونه ۳۲/۵۳ سال (با انحراف معیار ۵/۶۴) و میانگین سابقه شغلی آنها ۹/۴۸ سال (با انحراف معیار ۵/۰۳) بود.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سرمایه معنوی؛ بیست سؤال برای سنجش دارد که گل‌پرور و جوادیان (۱۳۹۳) ساخته‌اند و شامل چهار بخش خرده مقیاس دل‌بستگی به خداوند (۸ سؤال)، ارزش‌گرایی معنوی (۴ سؤال)، تأثیرگذاری معنوی (۴ سؤال) و رابطه تعالی‌گرایی با خداوند (۴ سؤال) است. این بیست سؤال مبتنی بر تعاریف ارائه شده، از سرمایه معنوی در متون علمی ساخته شده است (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۹۳: ۱).

مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه در این پژوهش پنج درجه‌ای (بسیار کم = ۱ تا بسیار زیاد = ۵) بود. گل‌پرور و جوادیان (۱۳۹۳) روایی سازه این پرسشنامه را با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی مستند ساخته و نشان داده‌اند که خرده مقیاس‌های این پرسشنامه از پایایی درخور قبولی برخوردار

2. Golparvar, Kamkar & Javadian (2012)
3. Osarchuk & Tatz
4. Bering

1. Spiritual Capital Questionnaire

واريماکس انجام گرفت.

نتايج اين تحليل نشان داد که سؤالات اين پرسشنامه با بار عاملی بالای ۰/۴ قابل تجميع بر یک واحد است. همچنين در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ اين پرسشنامه، برابر با ۰/۶۷ به دست آمد. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از ضريب همبستگی پیرسون و تحليل رگرسیون چندگانه (به شیوه هم‌زمان) با استفاده از نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ (SPSS) تحليل شد.

یافته‌ها

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای

پژوهش

متغیرهای پژوهش	M	SD	۱	۲
باور به زندگی پس‌ازمرگ	۳/۹۱	۰/۵۹	-	
سرمایه معنوی اسلامی	۳/۱۳	۰/۴۱	۰/۰۹	-
فرسودگی هیجانی	۳/۶۲	۰/۵۴	-۰/۱۴*	-۰/۴۵**

**p<۰/۰۱

*p<۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، سرمایه معنوی اسلامی با فرسودگی هیجانی دارای رابطه منفی و معنادار است (p<۰/۰۱)؛ ولی با باور به زندگی پس‌ازمرگ، رابطه معنادار ندارد (p>۰/۰۵). همچنين باور به زندگی پس‌ازمرگ با فرسودگی هیجانی، رابطه منفی و معناداری دارد (p<۰/۰۵). بنابر نتايج ارائه شده در جدول ۱، فرضیه اول و دوم پژوهش، مبنی بر اینکه سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس‌ازمرگ با فرسودگی هیجانی، رابطه منفی و معناداری دارد، تأیید می‌شود. در جدول ۲، نتايج تحليل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان برای پیش‌بینی فرسودگی هیجانی از طریق سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس‌ازمرگ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، سرمایه معنوی (β = -۰/۴۶, p<۰/۰۱) و باور به زندگی پس‌ازمرگ (β = -۰/۱۸, p<۰/۰۱) پیش‌بینی‌کننده فرسودگی هیجانی بوده و توانسته‌اند ۲۳/۴٪ از واریانس این متغیر را تبیین کنند؛ بنابراین فرضیه سوم مبنی بر اینکه بین سرمایه معنوی و باور به زندگی پس‌ازمرگ با فرسودگی هیجانی رابطه ترکیبی (معنادار) وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۲. نتايج تحليل چندگانه برای پیش‌بینی فرسودگی هیجانی از طریق سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس‌ازمرگ

ردیف	مقدار ثابت و متغیرهای پیش‌بین	B	SE	β	t	p	R	R ²	F
۱	مقدار ثابت	۳/۶۲	۰/۰۳	-	۱۱۸/۳۹	۰/۰۰۱			
۲	سرمایه معنوی	-۰/۶۱	۰/۰۷	-۰/۴۶	-۸/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۴۸۴	۰/۲۳۴	۳۶/۱۹*
۳	باور به زندگی پس‌ازمرگ	-۰/۱۶	۰/۰۵	-۰/۱۸	-۳/۱۷	۰/۰۰۲			

*p<۰/۰۱

بحث

این پژوهش با هدف بررسی نقش باور به زندگی پس از مرگ و سرمایه معنوی اسلامی برای فرسودگی هیجانی انجام شد تا مشخص شود باور به زندگی پس از مرگ در کنار سرمایه معنوی اسلامی دارای چه کارکردهایی برای فرسودگی هیجانی هستند. در نگاه نخست، نتایج پژوهش نشان داد سرمایه معنوی با باور به زندگی پس از مرگ، رابطه معنادار ندارد؛ ولی باور به زندگی پس از مرگ و سرمایه معنوی اسلامی با فرسودگی هیجانی، رابطه منفی و معنادار دارد.

رابطه منفی بین سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس از مرگ با فرسودگی هیجانی براساس مبانی نظری مطرح برای سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس از مرگ پیش‌بینی می‌شد که در این پژوهش نیز تأیید شد.

رابطه منفی به دست آمده بین سرمایه معنوی اسلامی با فرسودگی هیجانی به‌طور ضمنی با یافته‌های گزارش شده درباره رابطه مثبت بین سرمایه معنوی با بهزیستی معنوی و روان‌شناختی (گل‌پرور، احمدی و جوادیان، ۱۳۹۳: ۴۱) با توجه به اینکه فرسودگی هیجانی عاملی تهدیدکننده برای بهزیستی افراد است، همسویی دارد.

از بُعد نظری، دلیل رابطه منفی بین سرمایه معنوی اسلامی با فرسودگی هیجانی در ماهیت حمایتی- سرمایه‌ای، به سرمایه معنوی اسلامی مربوط می‌شود. افزودن واژه سرمایه پیش از واژه معنویت در اصطلاح سرمایه معنوی اسلامی، به این دلیل است که افراد همان‌طور که با قیاس بین سرمایه اقتصادی می‌توانند برای سرمایه‌گذاری و صرف هزینه از آن برداشت کنند و امور اقتصادی و مالی خود را به پیش ببرند؛ خواستیم معنویت را نیز به‌سان منبعی معرفی کنیم که افراد در لحظات مختلف می‌توانند از آن برداشت روانی- معنوی کنند و امور و مشکلات زندگی اجتماعی و فردی خود را پیش ببرند. افزون بر این سرمایه معنوی، مانند هر نوع

سرمایه دیگر، توان افزایش و زایشی با سرمایه‌گذاری زمانی، به امور دینی و معنوی توجه دارد (گل‌پرور، دارایی و خیاطان، ۱۳۹۳: ۱۸۲). به همین دلیل، دل‌بستگی به خداوند، ارزش‌گرایی معنوی، تأثیرگذاری معنوی و رابطه تعالی‌گرای با خداوند، عناصر اصلی سرمایه معنوی و اسلامی منابعی معنوی هستند که در لحظه روبه‌رو شدن با احساس فرسودگی افراد می‌توانند از آنها وام گرفته و استفاده کنند. از بُعد عملی نیز، هنگامی که انسان احساس کند با نیرویی فرافردی و محیط بر همه‌جا و همه‌چیز یعنی خدای یگانه در ارتباط است، بسیاری از مشکلات خود را نیز با توکل و توسل به این نیروی فرافردی برطرف خواهد کرد. برآیند همه این موارد، احساس فرسودگی هیجانی را کاهش خواهد داد.

افزون بر آنچه درباره رابطه سرمایه معنوی اسلامی با فرسودگی هیجانی گفته شد، بین باور به زندگی پس از مرگ با فرسودگی هیجانی نیز رابطه منفی و معناداری به دست آمد. «کار» و «شارپ» (۲۰۱۳م)^۱ و فلانلی و همکاران (۲۰۰۶م) در پژوهش‌های خود بین باور به زندگی پس از مرگ با معنویت و سازه‌های مذهبی دیگر (نظیر تعهد مذهبی و پایبندی رفتاری به آداب و شعائر مذهبی) رابطه معناداری را گزارش کرده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد رابطه معنادار بین باور به زندگی پس از مرگ با فرسودگی هیجانی- که در این پژوهش به دست آمده است- با نتایج پژوهش کار و شارپ (۲۰۱۳م) و فلانلی و همکاران (۲۰۰۶م) به‌طور ضمنی همسویی دارد. باور به زندگی پس از مرگ آن‌گونه که فلانلی و همکاران (۲۰۰۶م) بیان کرده‌اند، در اغلب ادیان، باور به جهانی فراتر و والاتر از جهان خاکی است که اکنون انسان در آن به بقای خود ادامه می‌دهد. جهان پس از مرگ و به‌ویژه حیات پس از مرگ و باور به آن با باورهای دیگر درآمیخته‌اند

هیجانی این دنیای فناپذیر را با شدت بیشتری کاهش دهد. از طرف دیگر بنیان‌های مشترک معرفت‌شناختی و مذهبی باور به زندگی پس‌ازمرگ و سرمایه معنوی اسلامی، این امکان را فراهم می‌سازد تا سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس‌ازمرگ از طریق نوعی فرایند اثرات هم‌افزا، تأثیرات یکدیگر بر فرسودگی هیجانی را تشدید و تقویت کند (یعنی یکی اثرات دیگری را به‌شدت افزایش داده و تقویت می‌کند).

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد باور به زندگی پس‌ازمرگ قادر است به‌صورت هم‌افزا در کنار سرمایه معنوی اسلامی بسترساز کاهش فرسودگی هیجانی شود. در سطح کاربردی بر پایه یافته‌های این پژوهش شاید بتوان به افراد توصیه کرد در حین تقویت باور حقیقی و قابل تحقق زندگی پس‌ازمرگ، مسیرهای تقویت سرمایه معنوی خود را در سطح ارتباطی (دلبستگی به خداوند و رابطه تعالی‌گرا با خداوند) و عملی (ارزش‌گرایی و تأثیرگذاری معنوی) همواره مطمئن‌نظر قرار داده و از آنها غفلت نکنند تا بدان‌وسیله بتوانند سطح فرسودگی هیجانی خود را کاهش دهند؛ همچنین تقویت باور به زندگی پس‌ازمرگ در سطح مجامع کاری می‌تواند بسترساز تقویت تأثیرات کاهنده سرمایه معنوی اسلامی برای فرسودگی هیجانی شود. از آنجایی که سرمایه معنوی و باور به زندگی پس‌ازمرگ، صورت‌بندی نظری رو به تکامل معنویت به‌شمار می‌آید؛ از نظر پژوهشی نیز به پژوهشگران علاقه‌مند توصیه می‌شود به‌صورتی عمیق و محتوایی، نقش‌ها و کارکردهای این پدیده‌ها در میان اقشار مختلف جامعه را بررسی کرده و بستر را برای یاری هم‌نوعان به‌منظور حرکت در مسیر لقاءالله فراهم آورند. در پایان نیز لازم است در تعمیم نتایج این پژوهش به محدودیت‌هایی نظیر تفسیر نکردن علت و معلول نتایج و محدود بودن نمونه، به کارکنان یک مجموعه تولیدی و صنعتی توجه

و هریک به‌نوعی سطح تحمل رنج‌ها و سختی‌ها را برای انسان افزایش می‌دهند. در متن باور به زندگی پس‌ازمرگ، این باور نهفته است که انسان با تحمل و صبر در برابر سختی‌ها، شرایطی را برای خود در حیات پس‌ازمرگ مهیا خواهد ساخت که جبران همه مصائب و بردباری‌ها را خواهد نمود (Flannelly & et al, 2006: 524-529). چنین باوری به عقوبتی خوشایند که در باور به زندگی پس‌ازمرگ و باورهای وابسته به آن نهفته است، می‌تواند سبب شود افراد در احساس فرسودگی هیجانی تحمل و مقاومت بیشتری نشان دهند و به‌این‌ترتیب، از سطح فرسودگی هیجانی آنها کاسته شود.

آخرین یافته‌ای که در این پژوهش به‌دست آمد، این بود که باور به زندگی پس‌ازمرگ در کنار سرمایه معنوی اسلامی با قوت، موجب کاهش فرسودگی هیجانی شد. این یافته‌ای است که هیچ نمونه مشابهی در جست‌وجوهای بسیار در پژوهش‌های دیگر پژوهشگران برای آن یافت نشد. ایده زیربنایی مطرح درباره نقش هم‌افزای باور به زندگی پس‌ازمرگ و سرمایه معنوی اسلامی برای کاهش فرسودگی هیجانی این بود که باور به زندگی پس‌ازمرگ را می‌توان تابع نوعی ایدئولوژی و معرفت‌شناسی آخرت‌گرا دانست که در آن خدای برحق و عادل، وعده رسیدگی به ذره‌ای از اعمال نیک و بد داده است. این بنیان معرفتی و ایدئولوژیک آخرت‌گرای مستتر در باور به زندگی پس‌ازمرگ، در صورتی که نیرومند باشد در کنار سرمایه معنوی اسلامی موجب کاهش فرسودگی هیجانی خواهد شد. به‌معنای دیگر وقتی فرد باور دارد پس‌ازاین زندگی در کره خاکی، مراحل بعدی زندگی با مرگ وی آغاز خواهد شد، زندگی دنیایی را جاویدان و بی‌پایان نخواهد نگرست. این امر حتی اگر ماهیت ناخودآگاه هم داشته باشد، در سطح روانی و ذهنی سبب می‌شود نیرو و توان حاصل از سرمایه معنوی اسلامی، احساسات مستتر فرسودگی

presented at the BSA Sociology of Religion Group Conference. Edinburgh. April 2010. pp. 1-40.

Bering, J. M. (2002). "Intuitive conceptions of dead agents' minds: The natural foundations of afterlife beliefs as phenomenological boundary". *Journal of Cognition and Culture*. 2 (4). 263 -308.

Captari, D. (2010). "Investigating the correlation between burnout and spirituality among resident assistants at Liberty university". A Senior Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for graduation in the Honors Program Liberty University. Spring 2010. pp.1-66.

Carr, D; Sharp, S. (2013). Do afterlife beliefs affect psychological adjustment to late-life spousal loss? *Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*. 69 (1), 103-112.

Curlin, F.A; Lantos, J.D; Roach, C.J; Sellergren, S.A & Chin, M.H. (2005). "Religious characteristics of U.S. physicians: a national survey". *Journal of General Internal Medicine*. 20 (7). 629-634.

Farooqi, A.H. (2006). "Islamic social capital and networking". *Humanomics*. 22 (2). 113- 125.

Flannelly, K.J; Ellison, C.G; Galek, K; Koenig, H.G. (2008). "Beliefs about life-after-death, psychiatric symptomology and cognitive theories of psychopathology". *Journal of Psychology & Theology*. 36 (2). 94 -103.

Flannelly, K.J; Ellison, C.G; Galek, K; Silton, N.R. (2012). "Belief in life-after-death, beliefs about the world, and psychiatric symptoms". *Journal of*

لازم و کافی بشود.

منابع

آزاد مرزآبادی، ا؛ هوشمندجا، م؛ پورخلیل، م. (۱۳۹۲). «رابطه معنویت سازمانی و هوش معنوی با استرس شغلی کارکنان یک دانشگاه نظامی». *مجله طب نظامی*. ۱۵ (۱). صص ۴۳ - ۵۰.

زارعی محمودآبادی، ح؛ سدرپوشان، ن. (۱۳۹۳). «رابطه هوش معنوی با فرسودگی شغلی معلمان زن». *فصلنامه طب‌کار*. ۶ (۴). صص ۶۶ - ۷۴.

گل‌پرور، محسن؛ احمدی، اکرم؛ جوادیان، زهرا (۱۳۹۳). «رابطه مؤلفه‌های سرمایه معنوی با بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی». *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی*. ۳۴ (۲/۱۷). صص ۳۰ - ۵۲.

گل‌پرور، محسن؛ جوادیان، زهرا (۱۳۹۳). «ساخت مقیاس سرمایه معنوی و اعتباریابی هم‌زمان آن بهزیستی معنوی». (در نوبت چاپ) *در فصلنامه پژوهش و سلامت*.

گل‌پرور، محسن؛ دارابی، نفیسه؛ خیاطان، فلور (۱۳۹۳). «ساخت مقیاس فرم کوتاه سرمایه معنوی و بهزیستی معنوی اسلامی». *دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی*. ۱۱ (۳۲). صص ۱۶۷ - ۱۸۸.

گل‌پرور، محسن؛ نیری، شیرین؛ مهداد، علی (۱۳۸۷). «رابطه استرس، فرسودگی هیجانی و رفتارهای انحرافی سازمانی در شرکت سهامی ذوب آهن: شواهدی برای مدل استرس-فرسودگی (عدم تعادل)-جبران». *مجله روان‌شناسی اجتماعی (یافته‌های نو در روان‌شناسی)*. ۲ (۸). صص ۱۹ - ۳۴.

Akbari, B. (2013). "Examine the relationship between religiosity and social capital International". *Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. 3 (12). 328-336.

Baker, C; Smith, G. (2010). "Spiritual, religious and social capital: exploring their dimensions and their relationship with faith-based motivation and participation in UK civil society". *Based on a paper*

- Kelso-Wright, P. (2012). *Spiritual history assessment and occupational therapy: Students using the FICA*. Master Thesis in Occupational Therapy, University of Puget Sound; PP: 42.
- Liu, A. (2011). "Measuring spiritual capital as a latent variable". Document Retrieved 11. July 2011. <http://www.researchmethods.org/4capital.htm>. PP: 14.
- Maslach, C & Jackson, S.E. (1981). "The measurement of experienced burnout". *Journal of Organizational Behavior*. 2 (2). 99-113.
- Osarchuk, M; Tatz, S.J. (1973). "Effect of induced fear of death on belief in afterlife". *Journal of Personality and Social Psychology*. 27 (2). 256-260.
- Palmer, D.A; Wong, M. (2013). "Clarifying the concept of spiritual capital". *Tenth annual symposium on the social scientific study of religion in China, the Chinese University of Hong Kong*. 10-13 July 2013. pp 1-20.
- Pedhazur, E.J. (1997). *Multiple regression in behavioral research*. 3rd Ed, Fort Worth, TX: Harcourt Brace.
- Schwartz, L.M. (2010). "Enhancing spiritual capital on campus: Practical action steps for improving campus spiritual climate". *Spirituality in Higher Education Newsletter*. 5 (5). 1-6.
- Waetford, C.M.R. (2007). *A literature review of spiritual capital, developments of spirituality in the workplace, and contributions from a Māori perspective*. Bachelor Dissertation in Management and Religion and Health. 51 (3). 651-662.
- Flannelly, K.J; Koenig, H.G; Ellison, C.G; Galek, K; Krause, N. (2006). "Belief in life after death and mental health findings from a national survey". *The Journal of Nervous and Mental Disease*. 194 (7). 524-529.
- Geigle, D. (2012). "Workplace spirituality empirical research: A literature review". *Business and Management Review*. 2 (10). 14-27.
- Golparvar, M; Dehghan, S & Mehdad, A. (2014). "Relationship between emotional exhaustion and deviant behaviors: Moderating role of big five personality traits". *International Journal of Scientific Research in Knowledge*. 2 (6). 285-296.
- Golparvar, M; Kamkar, M; Javadian, Z. (2012). "Moderating effects of job stress in emotional exhaustion and feeling of energy relationships with positive and negative behaviors: job stress multiple functions approach". *International Journal of Psychological Studies*; 4 (4), 99- 112.
- Hamdani, S.N.H & Eatzaz, A. (2002). Towards divine economics: Some testable propositions. *Pakistan Development Review (PDR)*. 41 (4). 607-626.
- Hämmerli, M. (2011). "Religion and spirituality between capital and gift". *Religion & Theology*. 18 (1-2). 195-210.
- Kelley, K; Maxwell, S. C. (2003). "Sample size for multiple regression: Obtaining regression coefficients that are accurate, not simply significant". *Psychological Methods*. 8 (3). 305- 321.

- Occupational Health*. 54 (3). 232-240.
- Yusuf, M.B. "Effects of spiritual capital on Muslim economy: The case of Malaysia". *Research on Humanity and Social Science*. 1 (2). 23-40.
- Employment Relations, University of Auckland, Aotearoa/ New Zealand. PP: 57.
- Wang, Y; Liu, L; Wang, J; Wang, L. (2012). "Work-family conflict and burnout among Chinese doctors: the mediating role of psychological capital". *Journal of*